



که سرطان دومین عامل مرگ و میر در کشور و استان ما است. بختیاری‌نیا با اشاره به وضعیت مرگ‌های منتسب به آلودگی هوا تصریح کرد:

سالانه وزارت بهداشت مطالعاتی در این زمینه در کلانشهرها انجام می‌دهد که در سه چهار سال اخیر به طور متوسط در اهواز، سالانه یک هزار مورد مرگ منتسب به آلودگی هوا رخ می‌دهد.

وی عنوان کرد: میزان متوسط مرگ و میر در اهواز در هر سال ۵ هزار نفر است که از هر پنج مرگ یک مورد مربوط به آلودگی هوا است یعنی ۲۰ درصد مرگ و میرها در اهواز منتسب به آلودگی هوا با آلاینده با اندازه ۲.۵ میکرون است.

بختیاری‌نیا در خصوص وضعیت حیوان‌گزیدگی در خوزستان هم گفت: در دو سه سال اخیر هر سال ۲۰ درصد افزایش موارد حیوان‌گزیدگی داشته‌ایم که این روند در کل کشور وجود دارد. فوتی ناشی از حیوان‌گزیدگی هم داشته‌ایم.

منبع: ایسنا

فرونشست زمین به سکونتگاه‌های شهری اصفهان رسیده است



عضو هیات رئیسه کمیسیون کشاورزی مجلس، گفت: متأسفانه پدیده فرونشست زمین بر اثر اقدامات انجام شده در برخی از استان‌ها در حال رخ دادن است و در استان و شهرستان اصفهان، وارد مناطق سکونتگاهی

اخبار و مقالات محیط زیست در ایران

وقوع سالانه ۱۰۰۰ مرگ منتسب به آلودگی هوا در اهواز



دکتر پژمان بختیاری‌نیا، با بیان اینکه به طور متوسط در اهواز، سالانه یک هزار مورد مرگ منتسب به آلودگی هوا رخ می‌دهد، گفت: ۲۰ درصد مرگ و میرها در اهواز منتسب به آلودگی هوا با آلاینده با اندازه ۲.۵ میکرون است.

معاون بهداشت دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز در نشست خبری که امروز (۱۳ بهمن‌ماه) در دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز برگزار شد، اظهار کرد: حوزه بهداشت در حوزه سرطان وظیفه غربالگری را انجام می‌دهد. کار غربالگری سرطان‌های شایع شامل سرطان سینه و دهانه رحم در زنان و سرطان روده بزرگ در زنان و مردان را انجام می‌شود و در این خصوص در ۹ ماهه نخست امسال ۲۵۳ هزار و ۸۴۷ نفر در خوزستان غربالگری شده‌اند.

وی افزود: تشخیص قطعی و درمان سرطان به حوزه درمان مربوط می‌شود و معاونت تحقیقات و فناوری هم وظیفه ثبت سرطان‌ها را انجام می‌دهد.

معاون بهداشت دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز گفت:

سرطان یک بیماری چند عاملی است که هنوز بسیاری از عوامل آن مشخص نیست. بروز سرطان در کشور ما از متوسط جهانی کمتر است و در خوزستان نیز از متوسط کشوری پایین‌تر است، اما این واقعیت وجود دارد



شاخص ۲۰۹ در دسته "بسیار ناسالم (Very Unhealthy)" قرار می‌گیرد که نشان‌دهنده غلظت بالای آلاینده‌های معلق کمتر از ۲.۵ میکرون در هوای تهران است. این آلاینده‌ها می‌توانند به عمق ریه‌ها نفوذ کنند و موجب بروز مشکلات جدی تنفسی و قلبی شوند.

به گزارش شرق؛ کارشناسان محیط زیست و سلامت هشدار داده‌اند که در چنین شرایطی، شهروندان باید از فعالیت‌های غیرضروری در فضای باز خودداری کنند و در صورت لزوم، از ماسک‌های فیلتردار استاندارد مانند N95 برای کاهش اثرات آلودگی استفاده نمایند.

همچنین توصیه شده است که مدارس، مراکز آموزشی و گروه‌های حساس، برنامه‌های خود را متناسب با این شرایط تنظیم کنند تا از عوارض ناشی از آلودگی جلوگیری شود.

از دلایل اصلی این وضعیت بحرانی می‌توان به تردد بیش از حد خودروهای فرسوده، فعالیت‌های صنعتی، استفاده از سوخت‌های آلاینده، شرایط پایدار جوی و کاهش وزش باد اشاره کرد که مانع از تخلیه آلاینده‌ها از سطح شهر شده است.

بررسی‌های هواشناسی نشان می‌دهد که در روزهای آینده، در صورت عدم تغییرات جوی و وزش باد مناسب، آلودگی هوا در تهران همچنان در وضعیت خطرناک باقی خواهد ماند. مسئولان محیط زیست و مدیریت بحران اعلام کرده‌اند که در صورت تداوم این وضعیت، احتمال تعطیلی مدارس، ادارات و اجرای محدودیت‌های ترافیکی وجود دارد.

شهری شده اما هیچ دستگاهی پاسخگوی خسارت وارد شده به مردم نیست..

حامد یزدیان عضو هیات رئیسه کمیسیون کشاورزی، آب، منابع طبیعی و محیط زیست **مجلس شورای اسلامی**، در خصوص چالش فرونشست زمین در کشور، گفت: چندین سال است که در **کشور** شاهد پدیده فرونشست زمین هستیم اما هنوز خیلی از مدیران دولتی و بعضا کارشناسان این پدیده را باور نکرده‌اند/

منبع: خبرگزاری آریا

خطر خشکسالی میانکاله و خلیج گرگان تا ۲ سال دیگر



معاون سازمان حفاظت محیط زیست: در حال حاضر در تالاب میانکاله لایروبی انجام شده و به دنبال تامین اعتبار برای پمپاژ هستیم و اگر پمپاژ انجام نشود، تا سال ۱۴۰۸ تا ۱۴۱۰، تالاب میانکاله و خلیج گرگان را از دست می‌دهیم

تهران آلوده‌ترین شهر جهان شد

بر اساس آخرین گزارش شرکت سوئیسی IQAir، تهران هم‌اکنون با شاخص کیفیت هوای ۲۰۹، آلوده‌ترین شهر جهان محسوب می‌شود. این وضعیت نشان‌دهنده هوای بسیار ناسالم است و تنفس در چنین شرایطی می‌تواند برای تمامی گروه‌های سنی، به ویژه کودکان، سالمندان و بیماران قلبی و ریوی، خطرناک باشد.



می‌رود. تالاب‌های ایران در جنوب‌غربی آسیا بیش از 140 گونه پرنده مهاجر و بومی را در خود دارد که 30 درصد از پرندگان کشور را شامل می‌شود .

این یک تصویر کلی از اهمیت تالاب‌ها در کشور است. **وقتی تالابی زنده است یعنی اکوسیستم زنده است** و اگر تالاب بخشکد، نشان می‌دهد که اکوسیستم آنجا هم مرده است. همانطور که همه می‌دانند در دوم فوریه سال 1971 یعنی 13 بهمن سال 1349 اولین معاهده بین‌المللی محافظت از تالاب‌ها در رامسر منعقد شد که به‌عنوان کنوانسیون رامسر معروف است .

عده‌ای در خارج از کشور، رامسر را مانند یک معبد می‌دانند؛ یعنی تا این اندازه برایشان اهمیت دارد. از آن سال، حفاظت از تالاب‌ها در دستور کار سازمان حفاظت از محیط‌زیست قرار گرفت و اسکندر فیروز به‌عنوان یکی از افراد موثر در انعقاد این معاهده‌نامه هم سکاندار هدایت آن بود.

25 تالاب در سایت رامسر ثبت شده است اما از این 25 تالاب، تعداد زیادی در فهرست خطر قرار گرفته‌اند. با این همه اما با سابقه درخشانی که در حوزه تالاب‌ها داریم هنوز اطلاعات جامع و کاملی در ارتباط با آنها وجود ندارد .

بیش از 55 سال است در این زمینه صحبت می‌شود اما حتی در زمینه نوع پوشش گیاهی، تنوع زیستی، نوع پرندگان آبری تالاب‌ها و... اطلاعاتی وجود ندارد؛ اگر هم باشد، محرمانه است. اما چطور می‌شود که اطلاعات مربوط به تالاب‌ها محرمانه باشد؟

ما باید اطلاعاتی در اختیار داشته باشیم تا بتوانیم ارزش‌گذاری اکولوژیکی کنیم و شاید هم در گذشتن روند تخریب کمکی کنیم.

پایش پیش‌زمینه برنامه مدیریت جامع تالاب‌هاست، سازمان محیط زیست مطالعات و پایش‌هایی در چند تالاب شروع کرد؛ تالاب انزلی، تالاب شورابیل اردبیل، شادگان و دریاچه ارومیه از جمله آنهاست .

در کنار اینها ما طرح حفاظت از تالاب‌ها را در ایران داریم که در تالاب‌های شادگان، پریشان و دریاچه ارومیه به

شهروندان می‌توانند برای اطلاع از آخرین وضعیت کیفیت هوا و تصمیمات احتمالی، اخبار رسمی منتشرشده از سوی سازمان حفاظت محیط زیست مدیریت بحران را دنبال کنند و از انتشار و استناد به اطلاعات غیررسمی و نادرست خودداری نمایند./

منبع: اعتمادانلاین

چرا اطلاعات تالاب‌ها را پنهان می‌کنند؟

تالاب‌ها، بوم‌سازه‌های بی‌نظیر آبی هستند که مساحت‌شان ۸۸۵ میلیون هکتار است. ایران ۱۹۰ تالاب دارد؛ یعنی بیش از سه میلیون هکتار از مساحت کشور در عرصه تالابی است. این میزان به اندازه سه درصد.

ازمساحت کل تالاب‌های جهان است.



گل‌خانم باقرینیا دبیر حقوقی شورای هماهنگی تشکل‌های محیط زیستی کشورگفت :

تالاب‌ها، بوم‌سازه‌های بی‌نظیر آبی هستند که مساحت‌شان **885 میلیون هکتار** است. **ایران 190 تالاب دارد؛** یعنی بیش از سه میلیون هکتار از مساحت کشور در عرصه تالابی است. این میزان به اندازه سه درصد از مساحت کل تالاب‌های جهان است.

تعداد تالاب‌های ایران، سه برابر میانگین جهانی است. یعنی اگر در جهان 42 نوع تالاب شناسایی شده، 41 نوع آن در ایران قرار دارد که گنجینه‌ای برای کشور ما به شمار



برخی تالابها به نام خود کرده، تعدادی را هم به نام خود زده است. درحالی که تالابها و رودخانهها ملی هستند و متعلق به ملت و دولت تنها حافظ و نگهدارنده آنهاست. هرچند که فعالان محیط زیست در این زمینه اقدام کرده و شکایتی در دیوان عدالت اداری ثبت کرده‌اند تا بتوانند یک به یک این سندها را به ملت برگردانند.

در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با محیط‌زیست باید کنشگران حضور داشته باشند، دولتی‌ها می‌گویند که ما از کنشگران خواسته‌ایم بیایند اما خودشان نیامدند. اما اینطور نیست .

ما خیریه نیستیم که از جایی حمایت شویم و در مردم این فرهنگ وجود ندارد که برای مثلاً محیط زیست هزینه کنند. ما همیشه باید دنبال حامیان مالی باشیم. ما به‌عنوان کنشگران محیط زیست مطالبه‌گری و دیده‌بانی می‌کنیم؛ برای همین مطالبه‌گری باید به عرصه‌های دولت ورود کنیم .

یکی از دلایلی که ما را در این جلسات راه نمی‌دهند این است که اطلاعاتی به ما نرسد. کارهای پژوهشی که انجام نمی‌شود اما اگر هم انجام شود، سر از ناکجا آباد در می‌آورد. این اطلاعات که مخفی و طبقه‌بندی نیست، اما نمی‌دانم چرا در اختیارمان قرار داده نمی‌شود. حتی در سایت‌هایشان هم این اطلاعات پیدا نمی‌شود.

منبع: هم میهن

سدسازی در افغانستان و تاثیرات آن بر منابع آبی ایران



عنوان پایلوت اجرا شده است؛ هرچند که نیازی نیست درباره وضعیت دریاچه ارومیه توضیحی بدهیم چون همه شرایطش را می‌دانند .

تالاب پربشان هم نفس‌های آخرش را می‌کشد. تنها تالاب شادگان باقی مانده که به دلیل حوضه‌های آبخیزداری‌ای که دارد، هنوز نفس می‌کشد.

این طرح مدیریتی را در 20 تالاب دیگر هم اجرا کرده‌اند اما سوال این است که چرا با این قدمتی که داریم، حضور سازمان ملل و موسسه «جایکا» ژاپن برای احیای تالاب انزلی، همچنان دچار بحران هستیم؟

این موضوع باید کنکاش شود که چرا این تالابها خشک شده و یا به شکل تالاب‌های دائمی و فصلی درآمده‌اند. حتی طرح‌های ملی مثل طرح احیای دریاچه ارومیه هم نتوانسته‌اند آنها را نجات دهند. در حال حاضر تالاب ارومیه تبدیل به یک تالاب فصلی شده است .

جای شرمساری است که کشوری که اولین معاهده در زمینه تالابها را نوشته، نتوانسته تالاب‌هایش را نجات دهد. چه چیزی مانع شده است؟ ما 15 قانون و آیین‌نامه تصویب شده در این زمینه داریم، بنابراین نمی‌توان گفت با کمبود قانون مواجه‌ایم. باید ببینیم که این قوانین در کشور، مورد حمایت کافی قرار گرفته‌اند؟ چطور اجرایی و نظارت می‌شوند؟

ما جزو معدود کشورهایی هستیم که در قانون اساسی درباره حفاظت از محیط زیست نوشته شده است، با این همه سرنوشت محیط‌زیست مانند کشورمان است، با همه قدمتی که دارد به روزی افتاده که همه شاهد آن هستیم. آیا پژوهشگران در این حوزه وارد نشده‌اند یا سازمان حفاظت از محیط زیست از وجود این افراد بی‌بهره‌اند؟

به نظر می‌رسد که جواب همه این سوالها منفی است. می‌خواهیم مثل همیشه تقصیر را به گردن تغییرات اقلیمی بیندازیم، یا زمینه همکاری با سازمان‌های بین‌المللی نبوده یا از نظر اقتصادی دچار مشکل بوده‌ایم؟ درهم‌پیچیدگی‌های مدیریتی خیلی وقت‌ها به ما ضرباتی می‌زند که اولین آن به محیط اقلیمی ما وارد می‌شود. مسئله بزرگی که وجود دارد این است که در دو سال اخیر، وزارت نیرو اقدام به سند زدن رودخانه‌ها و



با این حال، افغانستان بارها به دلایل مختلف از پایبندی به این معاهده سر باز زده است.

به‌ویژه در سال‌های اخیر و با روی کار آمدن طالبان، این معاهده عملاً به حالت تعلیق درآمده است. کاهش جریان آب به ایران نه تنها تأثیرات زیست‌محیطی شدیدی داشته، بلکه مناطق شرقی کشور، به‌ویژه سیستان و بلوچستان، را با بحران‌های اجتماعی، اقتصادی و امنیتی مواجه کرده است.

سدسازی در افغانستان؛ تأثیرات گسترده بر حقایق ایران

افغانستان در دهه‌های اخیر پروژه‌های گسترده‌ای را برای ساخت سد بر روی رودخانه‌های هیرمند، هریرود، و فراه آغاز کرده است.

این سدها با هدف مدیریت منابع آبی، تولید برق، و توسعه کشاورزی طراحی شده‌اند، اما در عمل تأثیرات ژرفی بر کشورهای پایین‌دست، به‌ویژه ایران، داشته‌اند. هرکدام از این سدها با اهداف متفاوت، ولی با نتایج مشترک، حقایق ایران را تحت تأثیر قرار داده‌اند.

سد کمال‌خان؛ چالش مدیریت منابع آبی

سد کمال‌خان یکی از مهم‌ترین سدهایی است که افغانستان روی رودخانه هیرمند ساخته است. این سد در ولایت نیمروز و در نزدیکی مرز ایران واقع شده و ظرفیت ذخیره‌سازی آن به حدود ۵۲ میلیون مترمکعب می‌رسد. هدف اصلی از ساخت این سد، تأمین آب برای کشاورزی و تولید برق بوده است. با این حال، این سد جریان آب ورودی به ایران را به شدت کاهش داده است.

به دلیل بهره‌برداری یک‌جانبه افغانستان از این سد، حتی در فصل‌های بارندگی نیز آب کافی به سمت ایران جاری نمی‌شود. این موضوع به طور مستقیم بر تالاب هامون تأثیر گذاشته و خشکی این تالاب بین‌المللی را تسریع کرده است.

سد پاشدان؛ پیامدهای منطقه‌ای

سد پاشدان در ولایت هرات و روی رودخانه هریرود ساخته شده است. این سد با ظرفیت ذخیره‌سازی ۵۴ میلیون مترمکعب، برای مهار سیلاب‌ها، تولید برق و

بهار مقدم - یکی از مشکلات اصلی دیپلماسی آب ایران، استفاده نکردن مؤثر از ابزارهای بین‌المللی برای اعمال فشار بر افغانستان است. تاکنون جامعه بین‌المللی نیز حمایت قاطعی از حقوق ایران به‌عنوان کشور پایین‌دست نداشته و کشورهای تأثیرگذار نظیر چین و ترکیه نیز در حمایت از سدسازی‌های افغانستان وارد عمل شده‌اند.

اگر زودتر دست به کار نشویم و با طرف افغانستانی به یک توافق نرسیم، قطعاً دیگر نمی‌توانیم برای تامین آب استان‌های شرقی روی حقایق هیرمند یا هریرود حساب کنیم. (محمد درویش، کنشگر محیط زیست)

بحران منابع آبی، به‌ویژه در مناطق شرقی ایران، به یکی از چالش‌های جدی ایران در دهه‌های اخیر تبدیل شده است. یکی از محورهای اصلی این بحران، کاهش حقایق ایران از رودخانه‌های هیرمند و هریرود به دلیل ساخت سدهای متعدد در افغانستان است.

این وضعیت، که با ساخت سدهایی نظیر کمال‌خان، پاشدان، بخش‌آباد و... تشدید شده، نه تنها بر اکوسیستم طبیعی و حیات اقتصادی مناطق مرزی ایران تأثیر گذاشته، بلکه به عنوان یک مسئله ژئوپلیتیکی و امنیتی نیز اهمیت یافته است.

قطع جریان آب رودخانه‌های هیرمند و فراه علاوه بر خشکاندن تالاب‌ها، موجب از دست رفتن معیشت کشاورزان و دامداران، افزایش بادهای ۱۲۰ روزه و طوفان‌های گردوغبار، و گسترش بیماری‌های تنفسی و مهاجرت گسترده مردم از سیستان شده است.

معاهدات و منازعات آبی ایران و افغانستان

اختلافات بر سر حقایق رودخانه هیرمند و سایر منابع آبی مشترک میان ایران و افغانستان، تاریخی بیش از ۱۵۰ سال دارد. نخستین نشانه‌های جدی این اختلافات به دوران قاجار بازمی‌گردد.

در سال ۱۳۵۱، معاهده‌ای رسمی میان دو کشور امضا شد که حقایق ایران را ۲۶ مترمکعب در ثانیه تعیین کرد. این توافق، که با هدف پایان دادن به منازعات آبی میان دو کشور انجام شد، در ظاهر به یک توافق بلندمدت منجر شد.



نقش خاشرود در تأمین آب تالاب هامون پوزک به قدری حیاتی است که ساخت این سد، خشکی تالاب را به شدت تسریع کرده و شرایط زیستی نامناسبی را برای افغانستان، ایران و پاکستان به وجود خواهد آورد.

زیست محیط و اجتماع؛ پیامدهای بحران آب

ساخت سدهای مذکور، پیامدهای زیست محیطی و اجتماعی متعددی به همراه داشته است.

خشکی تالاب هامون، کاهش تنوع زیستی، نابودی زیستگاه‌های طبیعی، افزایش بیابان‌زایی، و مهاجرت معکوس از جمله مهم‌ترین اثرات این بحران هستند.

علاوه بر این، کاهش جمعیت در مناطق مرزی امنیت ملی را نیز تهدید می‌کند، چرا که این مناطق به مرزبانان طبیعی تبدیل شده‌اند.

تحلیل‌ها و دیدگاه‌ها؛ ابعاد مختلف مسئله

اختلافات بر سر منابع آبی مشترک میان ایران و افغانستان، سال‌هاست که موضوعی پیچیده و چندوجهی بوده است. این موضوع از یک‌سو با چالش‌های زیست محیطی و کمبود آب گره خورده و از سوی دیگر به معاهدات تاریخی، سیاست‌های ژئوپلیتیکی و عملکرد دولت‌های دو کشور مرتبط است.

محمد درویش، فعال محیط زیست، هشدار می‌دهد که اگر ایران به سرعت وارد عمل نشود و به توافقی عملی با افغانستان دست پیدا نکند، استان‌های شرقی کشور دیگر نمی‌توانند روی **حقایق** رودخانه‌های هیرمند و هریرود حساب کنند. به گفته وی، افغانستان در حال ساخت ۱۴ سد بر این رودخانه‌ها است و تکمیل این پروژه‌ها به معنای قطع کامل جریان آب به سمت ایران خواهد بود. او همچنین به نقش کشورهای خارجی، به‌ویژه چین، در تأمین فناوری و سرمایه‌گذاری این پروژه‌ها اشاره کرده و بر لزوم تقویت دیپلماسی آب ایران تأکید می‌کند.

ابوالفضل ظهروه‌وند، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، معتقد است که ساخت سدهای متعدد در افغانستان با حمایت قدرت‌های خارجی نظیر چین و ترکیه، بخشی از یک برنامه گسترده‌تر برای **اعمال فشار** بر ایران است.

آبیاری زمین‌های کشاورزی در غرب افغانستان طراحی شده است. ساخت سد از سال ۱۳۹۰ آغاز شد، اما به دلایل مختلفی از جمله ناامنی و کمبود منابع مالی، تکمیل آن با تأخیر مواجه شد. در سال‌های اخیر، با حمایت دولت طالبان، این پروژه مجدداً فعال شده است.

سد پاشدان جریان طبیعی آب به سمت سد دوستی، که یک پروژه مشترک بین ایران و ترکمنستان است، را به شدت کاهش داده است. این کاهش جریان آب تأمین آب شرب شهر مشهد و مناطق اطراف را با چالش مواجه کرده و نگرانی‌های زیست محیطی و اجتماعی گسترده‌ای ایجاد کرده است.

سد بخش‌آباد؛ تهدیدی برای کشاورزی ایران

سد بخش‌آباد، که روی رودخانه فراه در غرب افغانستان احداث شده است، یکی دیگر از پروژه‌های آبی بزرگ این کشور محسوب می‌شود.

این سد با هدف تأمین آب برای کشاورزی و تولید برق طراحی شده است و ظرفیت ذخیره‌سازی آن حدود ۶۷۵ میلیون مترمکعب برآورد می‌شود.

تکمیل این سد می‌تواند تأثیرات قابل توجهی بر جریان آب ورودی به ایران داشته باشد.

کارشناسان هشدار می‌دهند که بهره‌برداری کامل از سد بخش‌آباد، جریان آب به سمت استان سیستان و بلوچستان را تقریباً به صفر خواهد رساند.

این وضعیت نه تنها کشاورزی منطقه را تهدید می‌کند، بلکه معیشت هزاران نفر از ساکنان مرزی را نیز به خطر می‌اندازد.

سد کج‌صمد؛ کابوسی تازه

سد کج‌صمد، پروژه جدیدی که بر رودخانه خاشرود در ولایت نیمروز افغانستان در حال مطالعه و طراحی است، چالش دیگری برای بحران آبی سیستان محسوب می‌شود. رودخانه خاشرود نقشی کلیدی در تغذیه تالاب هامون پوزک دارد. این رود همراه با رودخانه خوسپاس، از اصلی‌ترین منابع آبرسانی به این تالاب محسوب می‌شوند.



یکی از مشکلات اصلی دیپلماسی آب ایران، استفاده نکردن مؤثر از ابزارهای بین‌المللی برای اعمال فشار بر افغانستان است. تاکنون جامعه بین‌المللی نیز حمایت قاطعی از حقوق ایران به‌عنوان کشور پایین‌دست نداشته و کشورهای تأثیرگذاری نظیر چین و ترکیه نیز در حمایت از سدسازی‌های افغانستان وارد عمل شده‌اند. این وضعیت، نیاز به بازنگری در سیاست‌های منطقه‌ای ایران و تقویت همکاری با کشورهای همسایه نظیر پاکستان و ترکمنستان را بیش از پیش آشکار می‌کند.

علاوه بر این مدیریت ناکارآمد منابع آب و وابستگی بیش از حد به رودخانه‌های مرزی نیز بحران را تشدید کرده است. ایران باید همزمان با تقویت مذاکرات دیپلماتیک، به توسعه فناوری‌های صرفه‌جویی در مصرف آب، افزایش بهره‌وری کشاورزی و کاهش وابستگی به جریان‌های خارجی بپردازد. چنین راهکارهایی می‌تواند از اثرات منفی کوتاه‌مدت کاهش جریان آب بکاهد و امنیت آب کشور را در بلندمدت تقویت کند.

از سایت رادیو زمانه



«پلنگ دماوند» تلف شد

جهت تماس با بولتن محیط زیست

bulletinenviro@gmail.com

او تأکید دارد که این پروژه‌ها، علاوه بر تهدید منابع آبی، ابزاری برای فشار سیاسی بر جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شوند.

به باور او ایران باید از تمامی ابزارهای دیپلماتیک، حقوقی و حتی اقتصادی برای مقابله با این تهدید استفاده کند. عیسی بزرگ‌زاده، سخنگوی صنعت آب ایران، تأکید می‌کند که [اقدامات یک‌جانبه](#) افغانستان در ساخت سدهایی مانند پاشدان، ناقض اصول حقوق عرفی بین‌المللی است.

او هشدار می‌دهد که بهره‌برداری یک‌جانبه از منابع آبی مرزی می‌تواند به آسیب‌های جدی زیست‌محیطی و اجتماعی در مناطق پایین‌دست منجر شود.

بزرگ‌زاده همچنین خواستار همکاری نزدیک‌تر و پایبندی دو کشور به معاهدات تاریخی شده است. نجیب آقا فهیم، وزیر پیشین دولت افغانستان، معتقد است که ایران نیز از منابع آبی مشترک به طور یک‌جانبه استفاده کرده است.

او به ساخت سد دوستی در دهه ۸۰ خورشیدی اشاره می‌کند که بدون اطلاع و مشارکت افغانستان انجام شده است. به گفته وی، سد پاشدان که روی رودخانه هریرود ساخته شده است، یک سد کوچک با هدف مهار سیلاب و آبیاری کمربند سبز هرات است و نمی‌تواند تأثیر جدی بر منابع آبی ایران داشته باشد. فهیم تأکید می‌کند که ایران با بزرگ‌نمایی این موضوع، تلاش دارد از ساخت سدهای بزرگ‌تر در افغانستان جلوگیری کند.

نتیجه‌گیری

دیپلماسی آب در سال‌های اخیر به‌جای دستیابی به نتایج ملموس برای ایران، با چالش‌های متعددی همراه بوده است. با وجود توافق‌نامه‌هایی مانند معاهده ۱۳۵۱، افغانستان بارها از تعهدات خود سر باز زده و توسعه سدهای متعدد نظیر کمال‌خان، پاشدان و بخش‌آباد را بدون توجه به حقوق پایین‌دست ادامه داده است. این وضعیت نشان می‌دهد که رویکردهای دیپلماتیک ایران نتوانسته‌اند به اندازه کافی بر تغییر رفتار دولت افغانستان تأثیرگذار باشند.



پروژه جهانی کربن می‌گوید: «ما طی سه سال گذشته، بین سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۲، شاهد نرخ رشد بالاتری برای متان بوده‌ایم که بالاترین رکورد در سال ۲۰۲۱ بود. این افزایش به این معنی است که غلظت متان در جو ۲.۶ برابر بیش‌تر از سطوح قبل از صنعتی شدن (از سال ۱۷۵۰) است. فعالیت‌های انسانی مسئول حداقل دوسوم انتشار گاز متان در جهان است که حدود ۰.۵ درجه سانتیگراد به گرمایش جهانی که تا به امروز رخ داده است اضافه می‌کند.»



این گزارش نتیجه‌گیری می‌کند که کشاورزی ۴۰ درصد از انتشار جهانی متان را به‌وجود می‌آورد. بخش سوخت‌های فسیلی ۳۴ درصد، زباله‌های جامد و فاضلاب ۱۹ درصد و زیست‌توده و سوزاندن سوخت زیستی ۷ درصد متان تولید می‌کند. پنج کشور اول تولیدکننده در سال ۲۰۲۰ به ترتیب عبارتند از چین (۱۶ درصد)، هند (۹ درصد)، ایالات متحده (۷ درصد)، برزیل (۶ درصد) و روسیه (۵ درصد). اتحادیه اروپا و استرالیا در دو دهه گذشته انتشار متان انسانی خود را کاهش داده‌اند. با این حال، روندهای جهانی به وضوح تعهدات بین‌المللی برای کاهش انتشار گاز متان تا ۳۰ درصد تا سال ۲۰۳۰ را به خطر می‌اندازد.

برای مسیرهای انتشار خالص صفر منطبق با هدف توافق پاریس برای افزایش دمای حداکثر ۲ درجه سانتیگراد نسبت به سطوح قبل از صنعتی شدن، انتشار متان انسانی باید تا سال ۲۰۵۰ نسبت به سطوح ۲۰۱۹ تا ۴۵ درصد کاهش یابد.

اخبار و مقالات محیط زیست در جهان

معجزه تولید برق با 12 هزار آئینه .



🔥 اواخر سال ۲۰۱۸ چینی‌ها از یک نیروگاه برق ۱۰۰ مگاواتی رونمایی کردند که با نمک مذاب کار می‌کند .

منبع: سایت زیستا

انتشار گاز متان سریع‌تر از همیشه در حال افزایش است.

گزارش بودجه جهانی متان در سال ۲۰۲۴ افزایش ۲۰ درصدی انتشار این گاز ناشی از فعالیت‌های انسانی را در دو دهه گذشته نشان می‌دهد.

متان یکی از سه گاز گلخانه‌ای اصلی است که به تغییرات اقلیمی شدت می‌بخشد. متان اگرچه چند دهه در جو، کمتر از دی‌اکسید کربن و اکسید نیتروژن، دوام می‌آورد، اما نقش کوتاه‌مدت بیشتری در گرمایش جهانی دارد چر که گرمای بیشتری را در جو نگه می‌دارد.

پروژه جهانی کربن، ۱۷ منبع طبیعی و بشرزاد را برآورد می‌کند. گزارش این نهاد نشان می‌دهد که متان ۶۱ میلیون تن در سال افزایش یافته است. بیپ کانادل، مدیر



خانه‌های هیدروژنی

اروپا با اجاق‌گازهای شعله نامرئی؛ سوخت تجدیدپذیر
هزینه‌های گرمایش را کاهش می‌دهد؟



اروپا می‌خواهد تا سال ۲۰۳۰ میلادی ۲۰ میلیون تن
انرژی تجدیدپذیر هیدروژن وارد و تولید کند.

بریتانیا با افتتاح اولین خانه‌های هیدروژنی در مقیاس
محله، به نقطه عطفی در استفاده از انرژی‌های پاک
رسیده است. این هفته با حضور جان سوبینی، وزیر اول
اسکاتلند محله‌ای در شهر فایف، اسکاتلند افتتاح شد
که در آنجا خانه‌های هیدروژنی ساخته و آماده
بهره‌برداری شده بودند. در این خانه‌ها می‌توان از
هیدروژن برای تامین گرمایش و پخت و پز استفاده کرد/

منبع: یورو نیوز

کوکاکولا می‌گوید به دلیل تعرفه‌های ترامپ ممکن است از پلاستیک بیشتری استفاده کند

کوکاکولا می‌گوید تعرفه‌های جدیدی که دولت ترامپ
وضع کرده است، ممکن است این شرکت را به استفاده
بیشتر از پلاستیک ناچار کند.

جیمز کونسی، مدیر اجرایی کوکاکولا در گفتگو با
سرمایه‌گذاران گفت که اگر تعرفه‌های دونالد ترامپ،
باعث گران‌تر شدن قوطی‌های آلومینیومی شود، ممکن
است این شرکت مجبور شود به میزان بیشتری از
بطری‌های پلاستیکی برای ارائه محصولاتش در آمریکا
استفاده کند.

گرم‌ترین ماه ژانویه در تاریخ ثبت شد؛ زنگ خطر تغییرات اقلیمی



ژانویه ۲۰۲۵ (دی-بهمن ۱۴۰۳) به عنوان گرم‌ترین ماه
ژانویه از زمان آغاز ثبت داده‌های هواشناسی اعلام شد.
بر اساس داده‌های سرویس تغییرات اقلیمی کوپرنیکوس
اتحادیه اروپا، میانگین دمای سطح زمین در این ماه به
حدود ۱۳ درجه سانتی‌گراد رسید که ۰.۸ درجه بالاتر از
میانگین سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۲۰ و ۱.۸ درجه گرم‌تر از
دوران پیش از صنعتی شدن است.

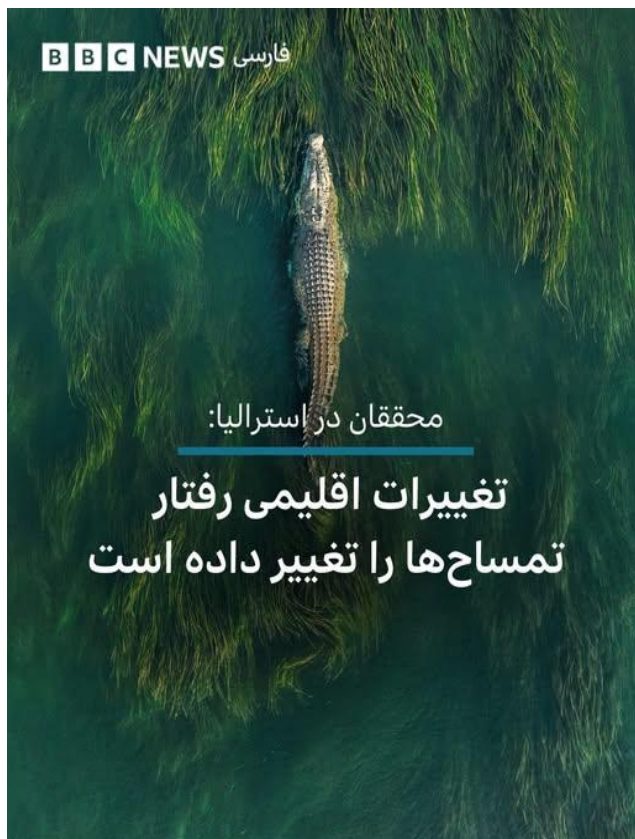
دمای هوا در مناطقی مانند شمال کانادا، آلاسکا و
سیبری به طور قابل توجهی بالاتر از حد معمول بود. در
مقابل، بخش‌هایی از ایالات متحده، روسیه و جنوب
شرق آسیا دمای پایین‌تری را تجربه کردند.

در اروپا، ژانویه ۲۰۲۵ دومین ژانویه گرم پس از سال ۲۰۲۰
بود، با دمای بالاتر از حد معمول در جنوب و شرق اروپا و
دمای پایین‌تر در ایسلند، بریتانیا و اسکانديناوی.

وضعیت یخ‌های قطبی نیز نگران‌کننده است.

مساحت یخ دریایی قطب شمال ۶ درصد کمتر از میانگین
بود و به یکی از پایین‌ترین مقادیر ثبت شده برای این ماه
رسید. در قطب جنوب نیز گستره یخ دریایی ۵ درصد زیر
میانگین قرار داشت. /

برگرفته از سایت دوپچه وله.



تحقیق ۱۵ ساله پژوهشگران روی تمساح‌های وحشی نشان می‌دهد که با افزایش دمای آب در شمال کوئینزلند، دمای داخلی بدن تمساح‌ها هم بالا رفته است.

این افزایش دما باعث شده که تمساح‌ها برای خنک نگه داشتن بدن خود بیشتر به زیر آب بروند. محققان معتقدند این تغییرات سبب شده تا تمساح‌ها زمان کمتری را صرف شکار و جفت‌گیری کنند.

دمای اوج در ایالت کوئینزلند از آغاز این مطالعه در سال ۲۰۰۸، نیم درجه سانتی‌گراد افزایش یافته است.

دانشمندان گفته‌اند که اگر روند افزایش دمای آب ادامه یابد، تمساح‌ها ممکن است به سمت مناطق جنوبی‌تر مهاجرت کنند و به دنبال محیط‌های مساعدتر برای زیست خود باشند.

منبع: بی بی سی



بر اساس دستور دونالد ترامپ تمام فولاد و آلومینیوم وارداتی به آمریکا، مشمول تعرفه گمرکی ۲۵ درصدی می‌شود؛ اقدامی که می‌تواند منجر به افزایش قیمت نوشیدنی‌ها و مواد غذایی کنسرو شده در این کشور شود/

منبع: بی بی سی.

تغییرات اقلیمی، رفتار تمساح‌ها را تغییر داده است

تحقیق ۱۵ ساله پژوهشگران روی تمساح‌های وحشی نشان می‌دهد که با افزایش دمای آب در شمال کوئینزلند، دمای داخلی بدن تمساح‌ها هم بالا رفته است.

این افزایش دما باعث شده که تمساح‌ها برای خنک نگه داشتن بدن خود بیشتر به زیر آب بروند. محققان معتقدند این تغییرات سبب شده تا تمساح‌ها زمان کمتری را صرف شکار و جفت‌گیری کنند.

دمای اوج در ایالت کوئینزلند از آغاز این مطالعه در سال ۲۰۰۸، نیم درجه سانتی‌گراد افزایش یافته است.



خارجی استخر ماهی‌ها آسیب دیده است. همچنین گفته شده که وزن متوسط هر یک از ماهی‌های فراری ۵.۵ کیلوگرم است.

مقامات نروژی روز دوشنبه از این تأسیسات بازدید کرده و شرکت را موظف کردند که تلاش‌های خود برای صید مجدد ماهی‌های فراری را افزایش دهد.

وگارد اون هاتن، سخنگوی اداره شیلات نروژ گفت: «معمولاً به پرورش‌دهندگان ماهی فقط اجازه داده می‌شود در شعاع ۵۰۰ متری از تأسیسات خود عملیات صید مجدد انجام دهند، اما با توجه به گستردگی احتمالی این رویداد، به مووی اجازه داده شد تا این عملیات را فراتر از این محدوده گسترش دهد».

مووی این حادثه را «بسیار جدی و عمیقاً ناراحت‌کننده» توصیف و اعلام کرد که ماهیگیران دارای مجوز می‌توانند ماهی‌های صید شده را به مراکز خرید منطقه‌ای تحویل دهند و در ازای هر ماهی ۵۰۰ کرون جایزه دریافت کنند.

خطرات زیست‌محیطی سالمون‌های فراری

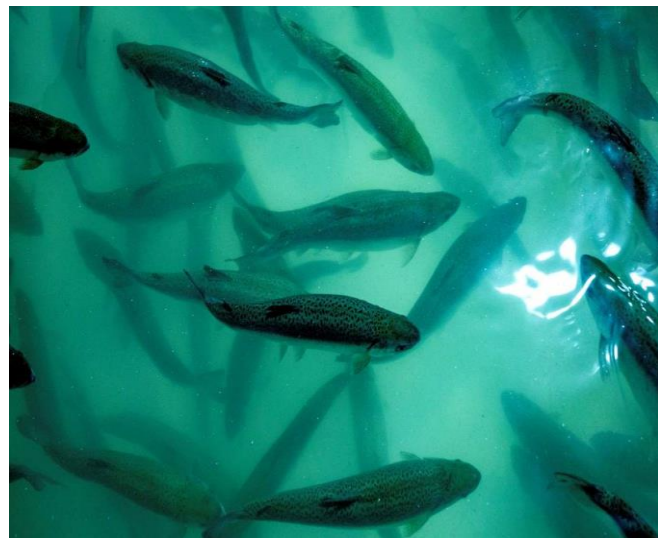
ماهی‌های سالمون فراری مشکلات زیست‌محیطی بزرگی ایجاد می‌کنند. به گفته فعالان محیط زیست، این مسئله موجب کاهش تنوع ژنتیکی سالمون‌های وحشی، افزایش آلودگی به شیش دریایی و تشدید رقابت برای محل‌های تخم‌ریزی می‌شود.

نروژ سالانه ۱.۲ میلیون تن سالمون پرورشی صادر می‌کند، اما در تابستان گذشته جمعیت سالمون‌های وحشی به پایین‌ترین سطح تاریخی خود رسید و دولت ماهیگیری در ۳۳ رودخانه را ممنوع کرد. برای تابستان امسال نیز بسته شدن ۴۲ رودخانه و سه فیورد پیشنهاد شده است. فیورد نام خلیج‌هایی در سواحل نروژ است که بر اثر ریزش یخچال‌ها به وجود آمده‌اند.

پال موگاس، سخنگوی سازمان «رودخانه‌های سالمون‌خیز نروژ» گفت: «۲۷ هزار سالمون پرورشی فراری یک فاجعه برای سالمون‌های وحشی است».

او افزود: «از نظر علمی ثابت شده که ترکیب ژنتیکی سالمون‌های وحشی با سالمون‌های پرورشی منجر به تولید نوزادانی با نرخ بقای پایین در طبیعت می‌شود».

فرار ۲۷ هزار سالمون از مزرعه پرورشی در نروژ؛



برای تحویل هر ماهی فراری ۵۰۰ کرون پاداش داده می‌شود.

شاید شما هم نام «ماهی فراری» را در ترانه «حریق سبز» ابی شنیده باشید؛ اما شاید ندانید اکنون در نروژ بعضی‌ها واقعا به دنبال ماهی فراری هستند.

شرکت بین‌المللی محصولات دریایی مووی اعلام کرد که پس از فرار حدود ۲۷ هزار قطعه ماهی سالمون از یکی از مزارع پرورشی خود در سواحل نروژ، به ماهی‌گیرانی که این ماهی‌ها را صید کنند، جایزه پرداخت خواهد کرد. فعالان محیط زیست فرار ماهی‌های پرورشی را «فاجعه‌ای برای سالمون‌های وحشی» توصیف کرده‌اند.

شرکت آبی‌پروری مووی که بزرگ‌ترین تولیدکننده سالمون پرورشی در جهان بوده و در نروژ مستقر است، اعلام کرد که حدود یک‌چهارم از ۱۰۵ هزار قطعه ماهی موجود در یک استخر پرورشی این شرکت در منطقه ترومز فرار کرده‌اند. این شرکت برای هر ماهی که صید و تحویل داده شود، ۵۰۰ کرون (حدود ۴۵ دلار) جایزه تعیین کرده است.

اداره شیلات نروژ اعلام کرد که شرکت مووی روز یکشنبه وقوع طوفانی را در مزرعه استروویکا ۵ واقع در حوزه شهری دیروی گزارش داده و مشخص شده که حلقه



کمک می‌کند. این امر می‌تواند نقش زنان در جوامع خود را تقویت کرده و به توسعه پایدار کمک کند.

برای درک بهتر نقش زنان در دیپلماسی آب به نمونه ای از تجربه بدست آمده در حوضه رودخانه بزرگ نیل و دخالت زنان در دیپلماسی آب اتیوپی در زمینه درگیری‌های مشترک منابع آب در میان کشورهای این حوضه بزرگ می‌پردازیم.

تنش در ابتدا به این دلیل آغاز شد که اتیوپی با بحران جدی انسانی ناشی از خشکسالی‌های پی‌درپی و تغییرات اقلیمی مواجه است. برای مقابله با بحران، دولت اتیوپی ساخت سد بزرگ رنسانس اتیوپی را بر روی رود نیل آبی در ایالت بنیشقول-گوموز در نزدیکی مرز اتیوپی و سودان آغاز کرد که انتظار می‌رود به بزرگترین سد برق آبی جهان تبدیل شود.

این تصمیم احداث زیرساخت بزرگ آبی دولت اتیوپی، متعاقباً تنش‌های زیادی را بین اتیوپی و مصر ایجاد کرد. بیم آن می‌رود که سد جدید جریان و کیفیت آب نیل در سمت شمالی را که عمدتاً برای کشاورزی مصر استفاده می‌شود، مختل کند. در حالی که تأثیرات بحران آب در طبقه، جنسیت و هویت جامعه انسانی متفاوت است، دیپلماسی آب و مدیریت منابع آب هنوز فقط در دست مردان است.

دیپلماسی آب اصطلاحی است که برای پرداختن به فرآیندها و شیوه‌های سیاسی پیشگیری، کاهش و حل و فصل اختلافات بر سر منابع آب فرامرزی و توسعه ترتیبات مشترک حکمرانی آب از طریق به کارگیری ابزارهای سیاست خارجی استفاده می‌شود. این تعریف، دیدگاهی جامع‌تر از دیپلماسی آب را فراهم می‌کند، زیرا این مفهوم نه تنها به دستیابی به یک دستور کار سیاسی برای همکاری فرامرزی مربوط می‌شود، بلکه به اجرای آن از طریق توانمندسازی همه سطوح جامعه از طریق انتقال مهارت‌ها، مشاوره و آموزش برای از بین بردن اختلافات نیز مرتبط است.

کمیته مشورتی علمی سالمون آتلانتیک نروژ، ماهی‌های پرورشی فراری را یکی از بزرگ‌ترین تهدیدها برای سالمون‌های وحشی معرفی کرده است. تخمین زده می‌شود که دو سوم از جمعیت سالمون‌های وحشی آتلانتیک در نروژ در تماس ژنتیکی با سالمون‌های پرورشی فراری قرار دارند.

آندریاس بیلاند اریکسن، وزیر محیط زیست نروژ، ماه گذشته اذعان کرد که سالمون وحشی اطلس شمالی «با تهدیدی وجودی روبه‌روست»، اما با این حال از منع فعالیت استخرهای پرورشی با قفس‌های باز خودداری کرد.

او گفت که به جای این ممنوعیت، «سطح مجاز آلودگی» برای جمعیت سالمون‌های وحشی را تعیین خواهند کرد.

اولا هلگه هیتلند، سخنگوی مووی، در گفتگو با روزنامه وی‌جی گفت: «این اتفاق بسیار ناراحت‌کننده است و ناپیوست رخ می‌داد.»

برگرفته از سایت یورو نیوز.

مبارزه با مردسالاری در دیپلماسی آب اتیوپی



شهره صدی - مشارکت زنان در مذاکرات و تصمیم‌گیری اختلافات مربوط به آب برای دستیابی به اجرای سیاست‌های برابر، پایدار و مؤثر حیاتی است. مشارکت زنان در دیپلماسی آب نه تنها باعث بهبود مدیریت آب می‌شود، بلکه به توانمندسازی زنان و تحقق عدالت جنسیتی نیز



علاوه بر این، زنانی که اجازه حضور در بحث و مذاکره را داشتند نیز با مقاومت زیادی از سوی شرکت کنندگان مرد مواجه می شدند. ابتکاراتی که توسط زنان ارائه می شد با مخالفت مردان روبرو شده و بی ارزش دیده می شد، در نتیجه روند مذاکرات طولانی و بی اثر می شد.

در طول مذاکرات پیرامون آب های فرامرزی، کارکنان فنی ارشد از ادارات مدیریت آب که عمدتاً مرد هستند، سعی می کردند نکات فنی را دوباره توضیح دهند به گونه ای که انگار نتوانسته اند به درستی آن را به زنان ارائه دهند. بنابراین، برای موفقیت در دیپلماسی آب، زنان نیاز نه تنها باید در زمینه های فنی تخصص داشته باشند، بلکه باید به طور مداوم شایستگی خود را به همتایان مرد ثابت کنند و با کلیشه های جنسیتی مبارزه کنند.

نابرابری جنسیتی در میان متخصصان آب نیز تا حد زیادی به دلیل درصد پایین ثبت نام زنان اتیوپیایی در رشته های مهندسی است و همچنین فرصت های شغلی به عنوان مهندسان آب نیز مردان را بر زنان ترجیح می دهد. آب یک منبع استراتژیک ضروری برای امنیت ملی و منطقه ای است.

با توجه به این موضوع مهم، مرد به احتمال زیاد یک رهبر موثر و منطقی نسبت به یک زن در نظر گرفته می شود. از سوی دیگر مسئولیت زنان در تامین آب، به کاهش زمان آنها برای پیگیری آموزش صحیح و مشارکت در عرصه عمومی منجر شده است.

در همین حال، زنان اتیوپیایی که به حرفه های مرتبط با آب پرداخته اند با چالش هایی مواجه هستند، از جمله کمبود حمایت از همتایان و عدم فرصت های لازم برای دستیابی به سطح مدیریتی که با موفقیت کمتر از ۲۰٪ همراه است. به همین دلیل، عدم حضور زنان در مذاکره و تصمیم گیری مرتبط با آب نشان دهنده سلطه مردان یا مردسالاری است که عمیقاً در جامعه اتیوپی ریشه دارد.

علاوه بر این، تمایل مردانه در سیاست های مربوط به آب منجر به حمایت ناکافی از زنان می شود. در فرآیند

مدیریت منابع آب و دیپلماسی آب فرامرزی اتیوپی اغلب با ماهیت مردانه آن مرتبط است، با مردانی که به طور سنتی بیش از حد در مشاغل مرتبط با مدیریت آب و دیپلماسی آب - مانند مهندسی، هیدرولوژی، آبیاری، و دیپلمات های دخیل در حل و فصل مسائل آب فرامرزی حضور دارند. علاوه بر این، این فرض وجود دارد که وظایف مدیریت آب تنها توسط مردان انجام می شود، در نتیجه وضعیت را عادی می کند و در نتیجه قوانین، سیاست ها و استراتژی هایی تولید می کند که عمدتاً در مورد ارتقا و حل مسائل جنسیتی سکوت کرده اند.

بیشتر رویکرد مورد استفاده در دیپلماسی آب نیز بر تسلط و کنترل بر محیط طبیعی متمرکز است، رویکردی که ارتباط نزدیکی با یک گفتمان مردانه دارد. ماهیت مردانه دیپلماسی آب مبتنی بر باورهای فرهنگی است که زنان فقط برای مدیریت آب در سطح خانوار پاسخگو هستند.

زنان اتیوپیایی از نظر اجتماعی ساخته شده اند تا مسئولیت جمع آوری آب و پایداری خانه را بر عهده بگیرند. این هویت ساخته شده بر اساس این کلیشه درونی است که مردان نان آور خانه هستند و به طور طبیعی برای رهبری به دنیا آمده اند، در حالی که زنان توانایی کمتری برای انجام این کار دارند. مردسالاری درک شده دیپلماسی آب دستیابی به حضور زنان در عرصه دیپلماسی آب را با مانع مواجه می کند. ماهیت مردانه دیپلماسی آب را به راحتی می توان از طریق نابرابری راهبری ها مشاهده کرد.

زنان اغلب در تصمیم گیری های سیاسی در سطح فرامرزی کمتر حضور دارند، که این امر پیشرفت به سوی مدیریت مشارکتی و پایدار آب های مشترک را تضعیف می کند. ارزش های مردسالارانه قوی مردان را به عنوان تصمیم گیرندگان کلیدی معتبر می داند و نقش زنان در مسائل مربوط به آب را نادیده می گیرد. در پنج مذاکره اصلی سد رنسانس که از سال 2012 انجام شده است، تنها دو نفر از 25 نماینده اتیوپی از میان زنان منصوب شده اند.



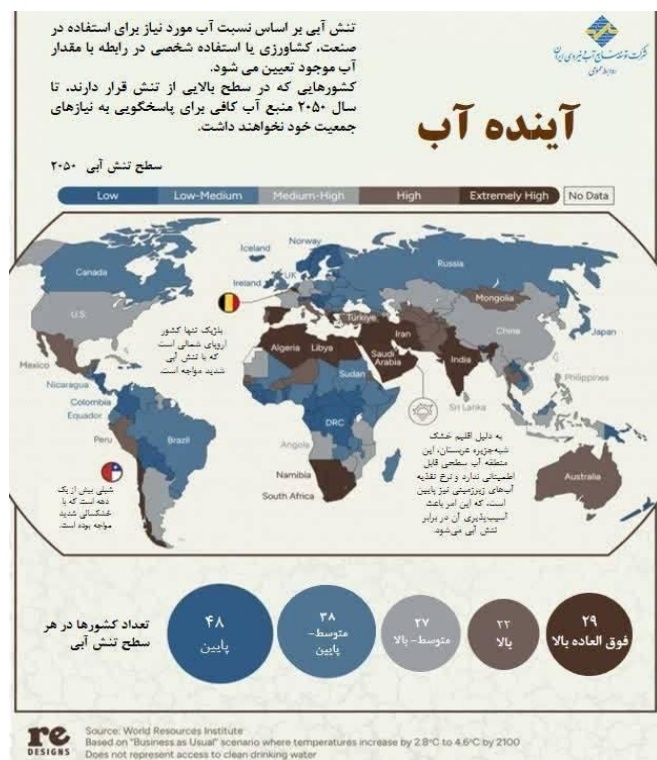
جنسیتی مرتبط با آب می‌تواند سلامت زنان را افزایش داده و باعث رشد و توسعه اقتصادی شود.

با این حال، افزایش نمایندگی زنان، دیپلماسی آب اتیوپی را به عنوان یکی دیگر از پدیده‌های «افزودن زنان و اختلاط نقش‌ها» تأیید نمی‌کند. زنان باید به‌عنوان سیاست‌گذارانی به همان اندازه توانمند که صدایشان ارزشمند است و نیمی از جمعیت را نمایندگی می‌کنند، گنجانده شوند. مبارزه با مردسالاری در دیپلماسی آب اتیوپی فراتر از شمارش تعداد زنان درگیر در میز مذاکره است. حضور زنان در ساختارهای تصمیم‌گیری باید با سیاست‌ها، استراتژی‌ها و برنامه‌های کاری فراگیر همراه شود. سپس نیاز به اصلاحات در هنجارهای اجتماعی دارد که درک عمیق‌تری از اهمیت برابری جنسیتی، به‌ویژه در رابطه با بحران آب ناشی از تغییرات اقلیمی، را بازتاب دهد.

جمع‌آوری آب، زنان اغلب در مورد مصرف و مقدار آب، دسترسی به چاه، پاک‌سازی آب، ازدحام بیش از حد و اختلافات بیرونی با مشاجرات کلامی و فیزیکی مواجه می‌شوند. زنان همچنین در معرض آسیب‌های خانگی و جنسی هستند، زیرا رفتارهای خشونت‌آمیز و مخرب مردان در مواجهه با عدم امنیت آب افزایش می‌یابد. حدود ۶۰٪ از زنان اتیوپی قربانی خشونت خانگی شده‌اند و تنها چند سیاست در این زمینه تدوین شده است.

به عنوان مثال، در اتیوپی یک برنامه ملی آب، بهداشت، و نظافت و یک برنامه ملی پاسخ به خشونت مبتنی بر جنسیت وجود دارد. این سیاست‌ها عمدتاً ابزارهای بین‌المللی تصویب شده هستند، اما با آگاهی ضعیف زنان از حقوق‌شان، پروتکل‌های حقوقی حمایت و حفاظت مناسب از قربانیان، با اجرای ناکافی قانون در مورد مجرمان همراه است، زیرا اکثر موارد با قوانین بومی حل و فصل می‌شوند.

منبع: <https://www.envnew.ir/> **مکاشفت**



در مهاجرت‌های داخلی و برون مرزی ناشی از بحران آب، زنان اغلب از فرصت‌های مهاجرت محروم می‌شوند. سیاست‌های محدود مهاجرت مبتنی بر جنسیت از زنانی که در هنگام مهاجرت شوهرانشان با خشونت توسط مردان دیگر مواجه می‌شوند، محافظت نمی‌کند.

درک تضاد و همکاری فرامرزی بین دولت‌ها مستلزم نگاهی فراتر از منافع دولت در سیاست آبی برای درک پیچیدگی‌های توزیع آب، صدا و دانش در بین بازیگران مختلف در مقیاس‌های مختلف است. این محیط پیچیده، محصولاتی از فرهنگ اجتماعی چند صد ساله را در جامعه اتیوپی به ارمغان می‌آورد، که یکی از آنها عمیقاً ریشه در نابرابری جنسیتی دارد که در دیپلماسی آب نشان داده شده است. جنسیت در این زمینه فراتر از تقسیم‌بندی بیولوژیکی مرد و زن است، بلکه بیشتر در مورد روابط قدرت است که تجارب مختلف اجتماعی و سیاسی را در یک جامعه جنسیتی شکل می‌دهد. بنابراین، ایجاد دیپلماسی آب باید اذعان کند که زنان بحران‌های مرتبط با آب را متفاوت تجربه می‌کنند و بر تغییر دیدگاه تأکید می‌کنند. تدوین سیاست‌های